مهدی صحراگرد

# ناصرالدین‌شاه و خوشنویسی

عهد ناصری از دوره‌های درخشان تاریخ خوشنویسی ایران است. چند تن از بهترین نستعلیق‌نویسان تاریخ در این عهد ظهور کردند، شیوه‌های نوی برای برآوردن نیازهای روز تجربه شد، و بسیاری از قالبها و شیوه‌های پیشین تکامل یافت. از علل پیشرفت خوشنویسی در دورهٔ ناصرالدین‌شاه یکی زمینهٔ مناسبی بود که در دورهٔ پدران او ــ فتح‌علی‌شاه و محمدشاه ــ مهیا شده بود؛ دوم اینکه ناصرالدین‌شاه در قیاس با دیگر شاهان قاجار محیطی مناسب‌تر برای فعالیت هنرمندان فراهم آورد و خود نیز با فراغتی افزون‌تر به یادگیری هنر می‌پرداخت. بی‌شک خوشنویس بودن او در کنار علاقه‌اش به یادگیری دیگر هنرها عاملی مهم در تشویق هنرمندان زمانش بود. از ناصرالدین‌شاه آثاری به قلم نستعلیق و شکسته‌نستعلیق به جا مانده است. نسخه‌ها و مرقعات آن روزگار و نیز ارتباط برخی از هنرمندان با ناصرالدین‌شاه شواهدی برای شناسایی وضع خوشنویسی در آن دوره است.

## مقدمه

در اواسط دور قاجار با رواج صنعت چاپ، استنساخ که کاربرد اصلی و زمینه‌ساز بیشترین تحولات خوشنویسی بود، از رونق افتاد. با این حال، چه پیش از رواج چاپ و چه پس از آن، نوآوریها و تحولات بسیاری در خوشنویسی این عهد روی داد که همهٔ آنها را در دو جریان عمده می‌توان بررسی کرد: یکی ادامه و تکامل سنتهای پیشین خوشنویسی، که در قطعه‌نویسی و کتابت و کتیبه‌نگاری رخ نمود و نوآوریهایش همان نوآوری در چارچوب سنت بود که گاه به گاه در هنرهای سنتی روی می‌داد، مانند شیوهٔ کلهر در نستعلیق که با کوتاه کردن حروف کشیده و کوچک کردن دوایر، شیوهٔ میرعماد را تکامل بخشید[1] و عمادالکتاب آن را به دورهٔ معاصر منتقل کرد. همچنین است کتیبه‌نویسی نستعلیق که از اواسط عهد صفوی رایج شد؛ اما کتیبه‌نویسان دورهٔ قاجار، به‌ویژه میرزا غلام‌رضا اصفهانی، با اعمال تغییراتی جزئی اما مؤثر، آن را بهتر کردند.

حرکت فراگیر دیگری که در میان خوشنویسان عهد قاجار در جریان بود نوآوری هنرمندانی است که با ابداعاتی سعی کردند خوشنویسی سنتی را جوابگوی نیازهای روز کنند. گروهی از این تلاشها به ثمر رسید و گروهی نیز عقیم ماند. از نمونه‌های موفقیت‌آمیز شیوهٔ نگارش کلهر است که نه‌تنها برای چاپ‌نویسی نتیجه‌بخش بود، بلکه در دورهٔ بعد برای کتابت و قطعه‌نویسی نیز مقبول افتاد و طرف‌داران بسیار یافت. نمونهٔ دیگر نقاشی‌خط سنتی است که به شکلهای گوناگون در آثار سه تن از هنرمندان این عهد رخ نمود: اسماعیل جلایر با تلفیق خط و نقاشی مناظر؛ حسن زرین‌قلم با ترکیب قلمهای گوناگون با دانگهای مختلف واستفاده از «شیوهٔ گلزار» در آثارش؛ ملک‌محمد قزوینی با نازک کردن و افزودن شکلهای گیاهی به انتهای حروف. اینان هریک واضع شیوه‌ای ویژه بودند؛ اما کسی از آنان پیروی نکرد. همهٔ این اهتمامها در سایهٔ امنیت معیشتی و اجتماعی‌ای به بار نشست که شاهان و درباریان هنرپرور قاجار برای خوشنویسان فراهم آوردند. شاهان قاجار هم حامی هنرمندان بودند، و هم خود در هنرهای گوناگون طبع‌آزمایی می‌کردند. چهار پادشاه متوالی قاجار ــ فتح‌علی‌شاه و محمدشاه و ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه

ت ۱. ناصرالدین‌شاه، *قطعه‌ای به قلم نستعلیق*، مأخذ: خلیلی و دیگران، *هنر قلم*، ص ۱۹

ــ که نزدیک به ۱۲۰ سال بر ایران حکم راندند، همگی خوشنویسانی قابل بودند. نمونه خطهایی که به قلمهای نستعلیق و شکسته‌نستعلیق از آنان به جا مانده گواه این سخن است.[۲] در این میان، بیشترین تحولات در دورهٔ سلطنت ناصرالدین‌شاه روی داد و نیزگروهی از سرآمدان قلم نستعلیق در این عهد ظهور کردند. ناصرالدین‌شاه در قیاس با دیگر پادشاهان قاجار فضای اجتماعی و سیاسی نسبتاً آرامی برای عموم مردم و خواص هنرمند برقرار کرد.[۳] این آرامش نه‌تنها در پیشرفتهای هنری این دوره مؤثر بود، بلکه فراغت شاه از امور مملکت و توجهش به هنر را نیز افزون می‌کرد. بی‌شک خوشنویس بودن شاه بر ترغیب خاص و عام برای خطاط شدن و تشویق هنرمندان به ابداع و نوآوری مؤثر بوده است. به دیگر سخن، ناصرالدین‌شاه خوشنویس در رأس حامیان و مشوقان هنر یکی از مسببان افزایش شمار خوشنویسان و به تبع آن بهبود کیفی و تنوع شیوه‌های خوشنویسی بود که نمود آن را در شمار فراوان و گاه بی‌مانند نسخه‌ها و مرقعات و قطعات این دوره می‌توان دید.

## شاه خوشنویس

در تاریخ‌نامه‌ها از استادان خوشنویسی ناصرالدین‌شاه صریحاً یاد نشده است. تنها از این نکته یاد کرده‌اند که شاه کلهر را به حضور می‌خواند تا پیش او مشق کند و گاه‌گاهی از راه تفنن از روی سرمشقهای او می‌نوشت.[۴] بر اساس آثار به‌جامانده، او در نستعلیق و شکسته‌نستعلیق طبع‌آزمایی می‌کرد. از آثار او چهار قطعه و یک مرقع شعر بررسی شد، که سه قطعه به قلم شکسته‌نستعلیق، یک قطعه به قلم نستعلیق، و مرقعی به قلم شکستهٔ تحریری است.

تصویر ۱ قطعه‌ای است سیاه‌مشق و به قلم نستعلیق خوب، که ظاهراً برای تمرین نوشته شده است؛ زیرا خوشنویس برخی از واژه‌ها را که از حیث خوشنویسی صحیح نیست نیمه‌کاره رها کرده و صورت بهترشان را دوباره نوشته است؛ مانند کلمهٔ «هنگام» در سطر چهارم. با تکرار منظم کشیده‌ها، هماهنگی و ترکیب معتدلی در اثر به وجود آمده. پیداست صاحب اثر در نوشتن برخی حروف، مانند «ه»، کمی ضعیف است؛ گواه آن واژهٔ نازیبای «هو» در گوشهٔ بالای سمت راست و واژهٔ «هم» در سطر سوم است. ناصرالدین حرف «ش» در واژهٔ «خوش» در سطر نخست و «چهر» در سطر سوم و دیگر کشیده‌ها را بسیار خوب و تقریباً استادانه نوشته است. ترکیب‌بندیِ اثرْ فضایی آرام و چشم‌نواز دارد. شیوهٔ کلی در نگارش مفردات همان شیوهٔ رایج خوشنویسان قاجار است که پیرو میرعماد بودند. متن این قطعه در قسمت بالای سمت راستْ دو بیت از غزل سعدی است با این مطلع:

خوش بود یاری و یاری بر کنار سبزه‌زاری
مهربانان روی بر هم وز حسودان بر کناری

و در قسمت سمت چپ از پایین که وارونه است، پس از عبارت «هو الله تعالی» دو بیت از غزل دیگری از سعدی است با این مطلع:

هزار جهد بکردم که سرّ عشق بپوشم
نبود بر سر آتش میسّرم که نجوشم

رقم این اثر در گوشهٔ بالای سمت چپ و به قلم شکستهٔ تحریری چنین است: «شب دوم رجب المرجب که شب عید نوروز سلطانی است مشق شد... . دوست‌علی‌خان پیش‌خدمت این قطعه را نگه دارد. فی شهر ... سنهٔ ۱۲۷۱». بر طبق رقم، شاه قطعه را به دوست‌علی‌خان عطا کرده است. در کتاب مأخذ این تصویر نوشته‌اند: «ناصرالدین‌شاه در رقم فرمان داده که نوشته توسط خزانه‌دار، دوست‌علی‌خان، نگهداری شود».[۵] از این جمله چنین برمی‌آید که نویسنده از نکته‌ای ظریف غفلت کرده و عبارت رقم را فرمان شاه برای نگهداری اثر به دست خزانه‌دار تفسیر کرده است؛ در حالی که به گواهی دوست‌علی‌خان معیّرالممالک (نوهٔ دختری ناصرالدین‌شاه)، شاه در عید نوروز هر سال دستخطهایی از سر ملاطفت به دوست‌علی‌خان نظام‌الدولهٔ معیرالممالک (نیای پدری دوست‌علی‌خان معیرالممالک)، که در آن وقت خزانه‌دار دربار بود، عطا می‌کرد.[۶] پس رقم این قطعه گواهی است بر تفقدی شاهانه و بیرون از فرمانهای اداری. در پیشانی قطعه، مهر مخصوص ناصرالدین‌شاه درون ترنج با زمینهٔ لاجوردی نقش بسته است، و زمینهٔ اثر را تذهیب تک‌رنگ طلایی و دور آن را تشعیر گل و بوته کار کرده‌اند.

این اثر تنها نمونهٔ نستعلیق مشاهده‌شده از آثار ناصرالدین‌شاه است. نویسندهٔ کتاب *تاریخ مختصر خط و سیر خوشنویسی در ایران* قطعه‌ای به قلم نستعلیق متوسط و بدون رقم اما با تاریخ ۱۳۱۷ق را از ناصرالدین‌شاه دانسته،[۷] که صحیح نیست؛ زیرا ناصرالدین‌شاه در سال ۱۳۱۳ق به قتل رسید.

تصویر ۲ قطعه‌ای است به قلم شکسته‌نستعلیق که بیت نخستش مطلع این غزل سعدی است:

خوش می‌روی تو تنها تنها فدای جانت
مجروح می‌گذاری دلهای دوستانت

سه بیت دیگر ابیاتی از غزل دیگری از سعدی است با این مطلع:

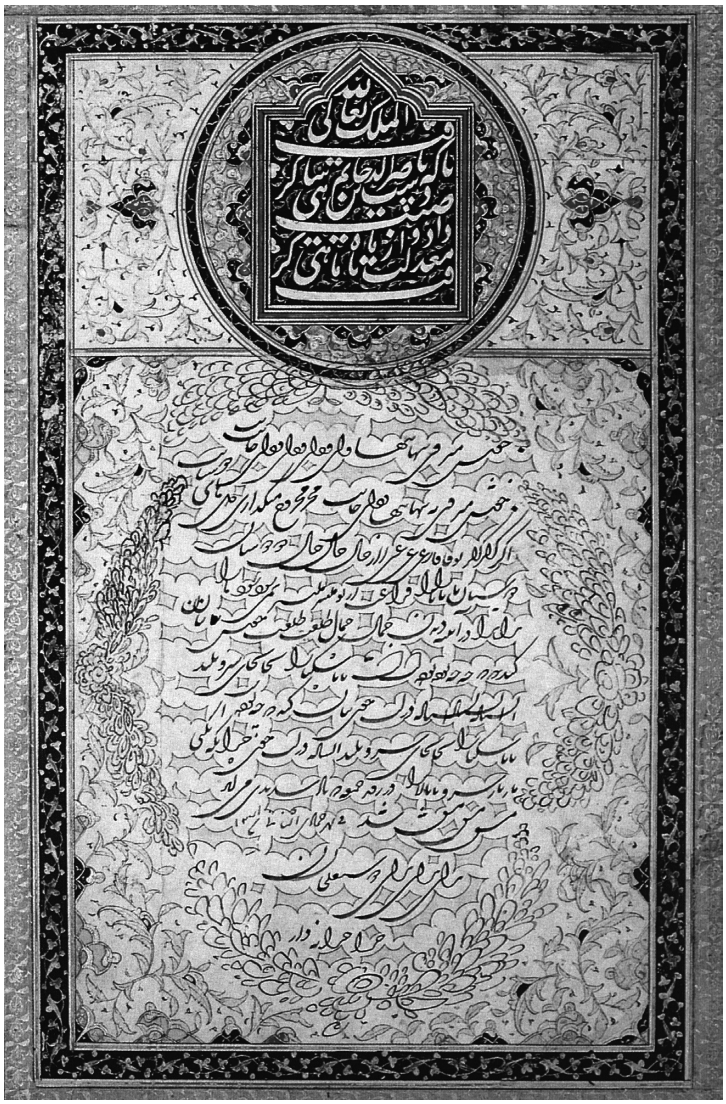

ت ۲. ناصرالدین‌شاه، *قطعه‌ای به قلم شکسته‌نستعلیق*، مأخذ: خلیلی و دیگران، *هنر قلم*، ص ۱۸

اگر تو فارغی از حال دوستان یارا
فراغت از تو میسّر نمی‌شود ما را

این قطعه، بر خلاف سیاه‌مشقهای شکسته‌نستعلیق آن دوره، بسیار خلوت و آرام است. گویی ناصرالدین این قطعه را نیز برای تمرین نوشته است. شاه در سطر نخست واژهٔ «فدای» را به گونه‌ای خاص نوشته که چندان مرسوم نیست. واژه‌های «ایستاده» و «لب» و «بیان» را در سطر هفتم و واژه‌های مشابه را بسیار خوب نوشته است. گویا او در کتابت حروف کشیده مهارت داشته، اما از عهدهٔ نوشتن واژه‌های پر پیچ و خم و غیر کشیده بر نمی‌آمده است.

ت ۳. سجع مهر ناصرالدین‌شاه که بر آثار آن زمان نقش بسته (قسمتی از ت ۲)

چهار سطر پایانی، رقم اثر است: «در روز جمعه که باد شدیدی می‌آمد مشق شد. فی شهر جمادی الثانی سنهٔ ۱۲۷۱ برای دوست‌علی‌خان خزانه‌دار». این قطعه را نیز همانند نمونهٔ پیشین به دوست‌علی‌خان نظام‌الدولهٔ خزانه‌دار عطا کرده است. در پیشانی این قطعه نیز سجع مهر ناصرالدین‌شاه نقش بسته و تذهیبش در قیاس با نمونهٔ پیشین مفصل است و پرکار.

سجع مهر ناصرالدین‌شاه (ت۳)، که بر اکثر نسخه‌ها و آثار هنری نقش بسته، در بالا عبارت «الملک لِلّه تعالی» به قلم ثلث و گاه نستعلیق و در زیر آن بیت شعری است به قلم نستعلیق با این مضمون:

تا که دست ناصر دین خاتم شاهی گرفت
صیتِ داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت

علاوه بر آثار یادشده، در کتابخانهٔ کاخ گلستان مرقعی به شمارهٔ ۱۵۰۵ نگه‌داری می‌شود[۸] که نام کاتب آن ناصرالدین‌شاه قاجار است (ت ۴). شاه این مرقع را، که مجموعه‌ای از اشعار خود اوست، در سال ۱۲۷۱ق به قلم شکسته تحریری خوب کتابت کرده. قطعهٔ نخست شعری است که در چهاردهم شوال ۱۲۷۱ق در شمیران سروده است، با این مطلع:

یار ما را سر پرسیدن بیمار بود
عجب از طالع تابنده که بیدار بود

اهمیت این مرقع بیشتر بدان سبب است که تنها مرقع به‌جامانده از ناصرالدین‌شاه است و محتوای آن نیز شعرهایی است که او خود سروده.

دو قطعهٔ دیگر او که به قلم شکسته‌نستعلیق است، در رقمْ مورخ ۲۴ شوال ۱۲۸۱ق و سنهٔ ۱۲۸۴ق است.[۹] اگرچه انتظار می‌رود پس از گذشت ده سال، در قیاس با اثر پیشین که به سال ۱۲۷۱ق نوشته، پیشرفتی در خط شاه دیده شود، این آثار از نظر کیفیت خوشنویسی با اثر نخست چندان تفاوتی ندارد. او این قطعه‌ها را نیز به دوست‌علی‌خان معیرالممالک خزانه‌دار عطا کرده است. مضمون همهٔ این قطعات غزلهایی است از سعدی.

## نسخه‌نویسی در عهد ناصری

ناصرالدین‌شاه به گردآوری کتاب علاقه داشت و همین از علل رونق نسخه‌نویسی در آن عهد بود. کتابخانهٔ سلطنتی که بر اساس کتابخانه‌های شاهان صفوی و هدایا و غنایم نادرشاه شکل گرفته بود، در زمان آقامحمدخان و فتح‌علی‌شاه در کاخ گلستان استقرار یافت پربارتر و غنی‌تر شد. مرقع گلشن از آثار مهمی است که در این کتابخانه نگهداری می‌شود. این مرقع را شخصی ناشناس در زمان ولی‌عهدی ناصرالدین‌شاه در تبریز به او هدیه کرد. به دستور شاه در سال ۱۲۶۳ق این مرقع را به همراه چند نسخهٔ خطی دیگر به کتابخانه افزودند. در حاشیهٔ متصل به متن قطعهٔ ۹۱ چنین نوشته‌اند: «این مرقع مال ناصرالدین‌شاه محمد غازی خلّدالله دولتَه ان شاءالله تعالی غره جمادی الآخر ۱۲۶۳»[۱۰] و نیز در حاشیهٔ قطعهٔ ۱۱۳ مهر پادشاهی و ولی‌عهدی ناصرالدین شاه با این سجع نقش بسته: «هو، شاه شاهان ناصرالدین» و «ولی‌عهد».[۱۱]

علاقهٔ شاه به جمع‌آوری کتاب سبب شد تا او هرجا کتاب باارزشی دید بخرد و به کتابخانه بیفزاید. مثلاً به دستور او تعدادی قرآن از نمایشگاه کتب خطی پاریس خریدند و به کتابخانه افزودند.[۱۲] ناصرالدین‌شاه کلید و مهر مخزن کتابخانه را تنها نزد امینه‌اقدس، از بانوان مورد اعتمادش، سپرده بود و این بانو مسئول امانت دادن کتاب به درباریان و بازپس‌گیری آن بود. همهٔ کتابهای کتابخانه به مهر ناصرالدین‌شاه ممهور است.[۱۳]

او علاوه بر جمع‌آوری کتاب، خود نیز به کتابت کتابهای بسیاری فرمود. از آن جمله است نسخهٔ *هزارویک شب*. این نسخه در هنر دورهٔ قاجار همان مقامی را دارد که *شاهنامهٔ بایسنقری* در دورهٔ تیموری، و نتیجهٔ آخرین

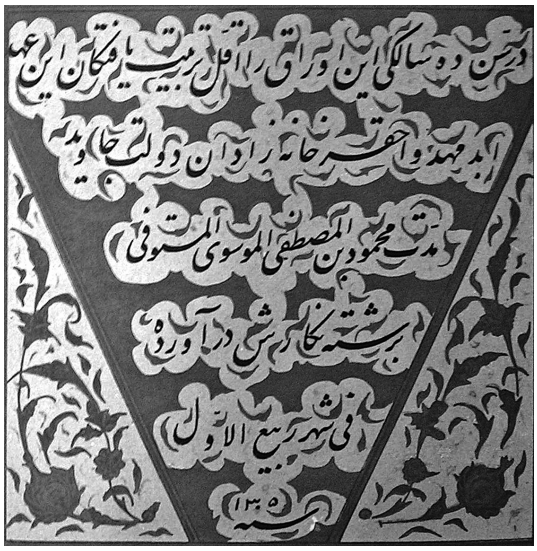

تلاش گروهی هنرمند است برای پدید آوردن اثری شاهانه.

عبداللطیف طسوجی داستان کهن *هزارویک شب* را در سال ۱۲۵۹ق به فرمان بهمن‌میرزا، والی آذربایجان، از عربی به فارسی ترجمه کرد و شمس‌الشعرا سروش اصفهانی اشعار آن را به نظم پارسی در آورد. این کتاب در سال ۱۲۶۱ق به خط میرزا علی خوشنویس در تبریز به چاپ سنگی رسید. داستان را در تبریز برای ناصرالدین‌شاه ولی‌عهد خواندند. او از همان زمان به فکر تهیهٔ نسخه مصوری از آن افتاد و در همان سال جلوس بر تخت سلطنت، این فکر را عملی کرد. این نسخه زیر نظر صنیع‌الملک در مجمع‌الصنایع ناصری[۱۴] به مدت هفت سال (۱۲۶۴–۱۲۷۱ق) به دست ۴۲ هنرمند در شش جلد کتابت و مصور و تجلید شد. محمد حسین تهرانی در مدت پنج سال (۱۲۶۴–۱۲۶۹ق) متن آن را کتابت کرد. سپس آن را برای مصورسازی و تذهیب و تجلید به صنیع‌الملک و همکارانش سپردند.[۱۵] در صفحهٔ سوم و چهارم، بر بالای صفحه در دو ترنج روی زمینهٔ لاجوردی و به قلم شکستهٔ تعلیق خوش، نام ناصرالدین‌شاه را به آب زر نوشته‌اند. دیباچه با این عبارت به پایان می‌رسد: «کمترین کاتبان حضرت سلطانی محمدحسین طهرانی تحریر نمود ۱۲۶۹». مباشر تهیهٔ این نسخه دوست‌علی‌خان معیرالممالک بود.[۱۶]

هنرمندان عهد ناصری، چه آنان که در کارگاه سلطنتی فعالیت می‌کردند و چه آنان که بی ارتباط با این

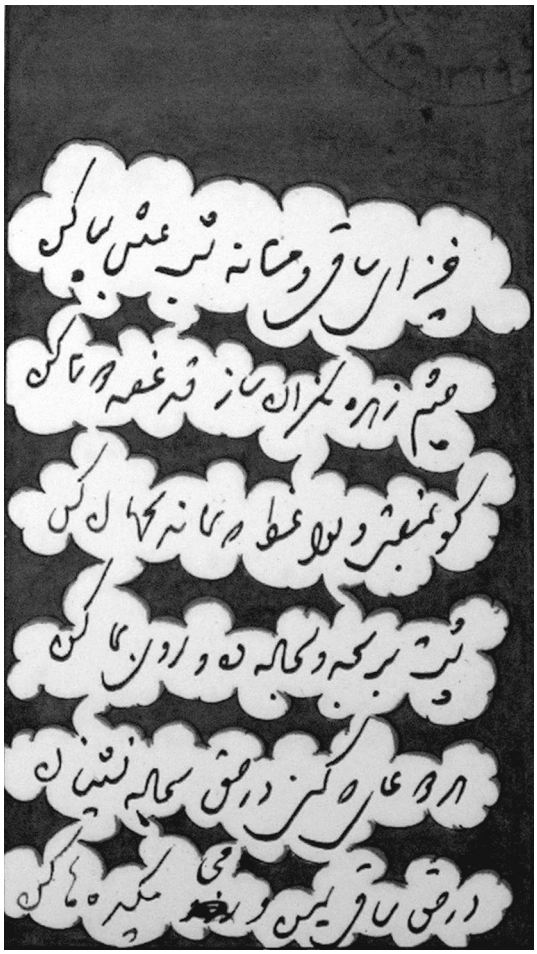

ت ۵. (راست) عمادالسلطان (در ده‌سالگی)، صفحهٔ پایانی نسخهٔ منتخب *گلستان سعدی*، مأخذ: آتابای، *فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ سلطنتی*، ص ۶۱۹.

ت ۴. (چپ) ناصرالدین‌شاه، صفحه‌ای از مرقع شعر به قلم شکستهٔ تحریری، مأخذ: آتابای، *فهرست مرقعات کتابخانهٔ سلطنتی*، ص ۵۳. بیت نخست این صفحه چنین است: خیز ای ساقی و مستانه شب عیش به پا کن/ چشم زهره نگران ساز و قد غصه دو تا کن

مکان بودند، نسخه‌ها و مرقعات زیادی برای ناصرالدین‌شاه و به نام او پرداختند. در کل، نسخه‌های به‌جامانده از آن دوره را که در آنها نام ناصرالدین‌شاه در آغاز یا انجام اثر آمده می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

۱. آثاری که شاه خود آنها را سفارش داده است؛ مانند:

- *دیوان عنصری* (کتابخانهٔ کاخ گلستان)، که ناصرالدین‌میرزای ولی‌عهد آن را سفارش داده و عبدالغفار تبریزی به قلم نستعلیق در سال ۱۲۶۳ق نوشته.[۱۷]
- شش دفتر کامل *مثنوی معنوی* به تاریخ ۱۲۷۹ق، که آن را سه تن از فرزندان سیداسماعیل قاینی کتابت و تزیین و تجلید کرده‌اند. خط آن را سیدمحمدحسین کاتب‌السلطان شیرازی، و خطوط رقاع و سرحکایت و عناوین را مهرعلی نوشته، و تذهیب آن از سیدعلی‌رضاست. از حیث رسم‌الخط و تزیین از شاهکارهای عصر ناصری به شمار می‌رود.[۱۸]

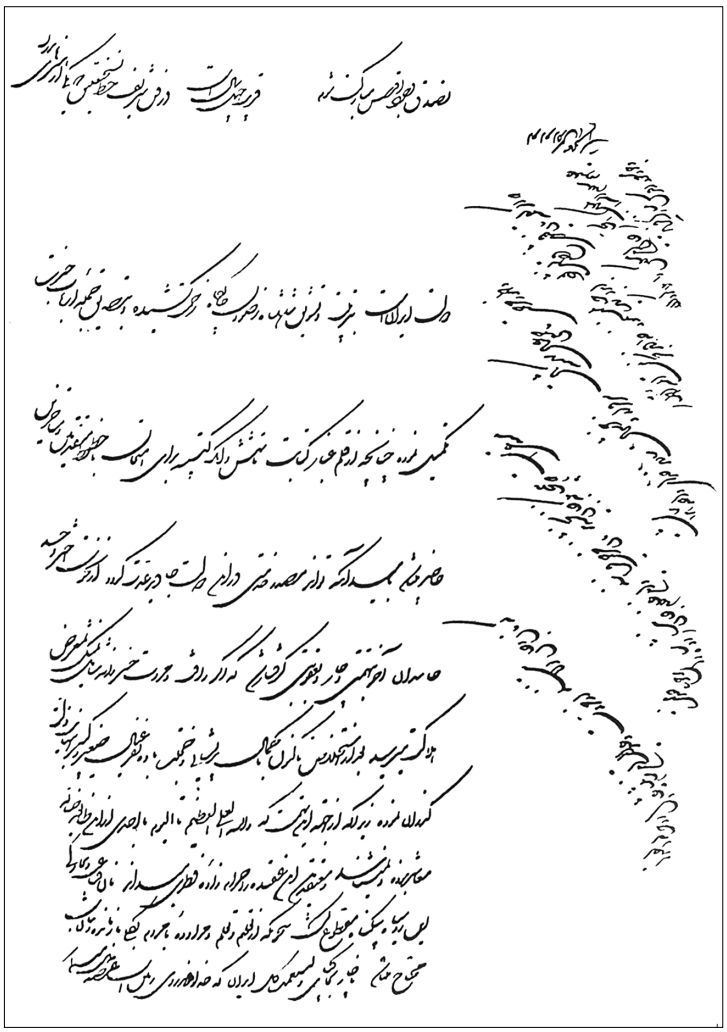

ت ۶. میرزا غلام‌رضا اصفهانی، نامه به ناصرالدین‌شاه پس از خلاص از زندان، مأخذ: سهیلی خوانساری، *مرقع نگارستان*، ص ۶.

- منتخبی از *گلستان سعدی* به تاریخ ۱۳۰۵ق و به خط محمود بن مصطفی عمادالسلطان، که آن را در ده‌سالگی به قلم نستعلیق نوشته است (ت ۵).
- *منتخبات اشعار حافظ*، که محمود بن مصطفی عمادالسلطان در ۱۳۰۷ق در سیزده‌سالگی کتابت کرده و ناصرالدین‌شاه در صفحهٔ نخست این کتاب چنین نوشته: «پسر حسام‌السادات نوشته است. الحق که در این سن کم بسیار خوب نوشته است. در مراجعت از سفر سوم فرنگستان در طهران به حضور آورده است. سنهٔ ۱۳۰۷ ربیع الاول اودئیل».[19] شاید لقب «عمادالسلطان» را نیز ناصرالدین‌شاه به او عطا کرده باشد.
- مصحفی به قلم نستعلیق از اسدالله شیرازی (ف ح ۱۲۶۸ق) در قطع رحلی (کتابخانهٔ کاخ گلستان). در صفحهٔ پایانی چنین نوشته‌اند: «حسب الاشاره اعلی‌حضرت ناصرالدین‌شاه ... اسدالله شیرازی... سنهٔ ۱۲۶۸». پایان این قرآن یک صفحهٔ الحاقی دارد به‌خط عبدالغفار تبریزی که چنین است: «این کلمات به تحریر چاکر درگاه آسمان‌جا عبدالغفار تبریزی است. فی شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۷۰». گویا پس از وفات اسدالله شیرازی، عبدالغفار مأمور تجلید و تنظیم آن بوده است.[20]

۲. آثاری که به سفارش درباریان برای هدیه به شاه تهیه شده است؛ مانند:

- *دیوان حافظ* به دستور ظل‌السلطان به خط محمدنقیب شیرازی و به قلم شکسته‌نستعلیق. در پیشانی ۳۷۲ صفحه از این دیوان، در میان سرترنجهای زمینه لاجوردی مذهّب مرصّع، نام و القاب ناصرالدین‌شاه را به قلم ثلث نگاشته‌اند. پایان این دیوان قصیده‌ای است که کاتب در مدح ناصرالدین‌شاه و چگونگی خط‌آموزی خود سروده و آن را چنین به پایان رسانده است:

کرد مرقوم محمد علی این حافظ شاه
تا که در مخزن شه بحر گهر مخزون شد
فتح شد حافظ شاه از پی تاریخ نقیب
دید با حافظ شاه ای عجبا مقرون شد
فی شهر رمضان المبارک ۱۲۹۵

صفحهٔ نخست و دوم این نسخه تماماً تذهیب مرصع دارد که اثر میرزا یوسف مذهّب‌باشی است به شیوهٔ تذهیب‌کاران شیراز.[21]

۳. آثاری که هنرمندان برای هنرنمایی و عرض ارادت به شاه هدیه کرده‌اند. این آثار کمتر کتاب و بیشتر قطعه و مرقع است؛ مانند:

- یک نسخه مصحف به قلم نسخ به خط مریم‌بانو نایینی (کتابخانهٔ کاخ گلستان)، از معدود هنرمندان زن ایران که در ردیف استادان قلم نسخ قرار گرفت. او این قرآن را در سال ۱۳۰۲ق به ناصرالدین‌شاه تقدیم کرد. این اثر از بهترین نمونه آثار هنری زنان این دوره است.[22] صفحهٔ آغازین این نسخه چنین رقم دارد: «امروز که ... سریر سلطنت دولت علیّه ایران به وجود مبارک ... ناصرالدین‌شاه ... مزین است ... این کمینه کنیز دیرینه را هم که تکلیفش پنبه‌ریسی بود خیال خوشنویسی

دامن‌گیر شد ... پیشکش نمود... حرره مریم من نواده مرحوم حاج عبدالوهاب نائینی اعلی‌الله مقامه فی شهر جمادی الاولی من شهور سنه ۱۳۰۲».[۲۳]

- *کلیات سعدی* به قلم شکسته‌نستعلیق خوب با تاریخ ۱۲۷۱ق و به خط عبدالله بن حاجی آقاجانی الاصفهانی. شرح تقدیمی آن در دو صفحه پیش از شروع کتاب میان دو ترنج با حاشیهٔ تزیینی به قلم شکسته‌نستعلیق نوشته‌اند. در پیشانی همین صفحه بین دو ترنج توری شکل، نام و القاب ناصرالدین‌شاه را به قلم ثلث با آب زر نوشته‌اند و سجع مهر ناصرالدین‌شاه در صفحهٔ دوم است.[۲۴]
- مرقع خط که مجموعه‌ای است از اشعار ترکی و فارسی و چند آیه از قرآن کریم در ده قطعهٔ متصل به هم. این مرقع را محمدرضا بهائی العاملی در سال ۱۲۶۹ق نوشته است.[۲۵]

وجه مشترک بیشتر این نسخه‌ها این است که در پیشانی یک یا چند صفحهٔ آنها، نام و لقب ناصرالدین‌شاه را در ترنجی مذهب، اغلب به خط ثلث و کمتر به اقلام دیگر مانند تعلیق و نستعلیق، نوشته‌اند. در مرقعات نیز اغلب سجع مهر ناصرالدین‌شاه در صفحات نخست و آخر مرقع نقش بسته است.

بدین گونه، شمار نسخه‌ها و مرقعات کتابخانهٔ کاخ گلستان به حدی رسید که تنها در بین سالهای ۱۳۱۳ و ۱۳۱۷ش، سیزده‌هزار نسخهٔ خطی و چاپی به همراه شمار زیادی قطعات خوشنویسی و نقاشی از این کتابخانه خارج و به کتابخانهٔ وزارت معارف منتقل شد.[۲۶]

## خوشنویسان مشهور و ارتباط آنان با ناصرالدین‌شاه

توجه شاه به خوشنویسی سبب شد که خوشنویسان به صور گوناگون با دربار در ارتباط باشند تا از حمایتها و تشویقهای شاه بهره‌مند شوند. برخی از ایشان مستقیماً در کارگاه سلطنتی فعالیت می‌کردند و اغلب به عناوین کاتب‌السلطان و اشرف‌الکتاب و خوشنویس‌باشی[۲۷] مفتخر می‌شدند و دیگران بیرون از کارگاه، گه‌گاه سفارشهایی می‌گرفتند. خوشنویسان دور از پایتخت با حاکمان محلی در ارتباط و تحت حمایت آنان بودند. در این دوره شهرهای تبریز و اصفهان و به‌ویژه شیراز فعالیتی چشم‌گیر داشتند.

### میرزا رضا کلهر

بی شک میرزا رضا کلهر مشهورترین خوشنویس دورهٔ قاجار است. دورهٔ فعالیت کلهر با سلطنت ناصرالدین‌شاه هم‌زمان بود. ناصرالدین‌شاه از او خواست تا در ادارهٔ انطباعات قبول عضویت کند؛ اما میرزا نپذیرفت و به همین قناعت کرد که برای امرار معاش، گه‌گاه سفارشهایی از محمدحسن‌خان صنیع‌الدوله بپذیرد.[۲۸] علاوه بر این، اندکی شاگرد نیز می‌پذیرفت، که اغلب فرزندان دربار بودند. در اواخر عمر، شوق زیارت حرم امام رضا (ع) سبب شد که با ناصرالدین‌شاه در سفر دومش به خراسان همراه شود. او در این سفر روزنامهٔ *اردوی همایونی* و سفرنامه‌های سفر دوم ناصرالدین‌شاه را نوشت. یکی از این سفرنامه‌ها در راه سفر و دیگری در سال ۱۳۰۶ق در تهران چاپ شد. بیشتر آثار به جا مانده از او همانهایی است که در همان زمان به چاپ سنگی رسید؛ از آن جمله است:

- *مخزن الانشاء*، که گویا کلهر نیز در انتخاب مراسلاتش نقش داشته است،
- *منتخب‌السلطان*، که دربرگیرندهٔ غزلهایی است از حافظ و سعدی به انتخاب ناصرالدین‌شاه،
- *فیض الدموع*، *رسالهٔ غدیریه*، *نصایح الملوک*.[۲۹]

### میرزا غلام‌رضا اصفهانی

میرزا غلام‌رضا اصفهانی، بر خلاف کلهر، از ابتدای جوانی در دربار بود. میرزا غلام‌رضا مدتی معلم مشق درباریان بود. نخستین بار محمدشاه او را تشویق کرد. در دورهٔ ناصری در همان‌جا به فعالیت هنری‌اش ادامه داد. در آن زمان بیشتر با دوست‌محمدخان معیرالممالک در ارتباط بود؛[۳۰] چنان‌که در رقم بی‌تاریخ یکی از آثارش که سورهٔ «فاتحة الکتاب» را به قلم شکسته‌نستعلیق ممتاز نوشته، از دوست‌محمدخان با عنوان «ولی‌نعمت حقیقی» یاد کرده است. شهرت و اعتبار میرزا به جایی رسید که به استناد نامه‌ای[۳۱] که در ۲۵سالگی خطاب به ناصرالدین‌شاه نوشته، در آن وقت به دویست تن از فرزندان دربار و مستوفی زادگان مشق خط می‌داده است. این شهرت و مقام ارجمند سبب شد که دشمنان در حقش سعایت و به

ت ۷. میرزا غلام‌رضا اصفهانی، مولودی‌نامهٔ دوست‌علی‌خان معیرالممالک، مأخذ: *پیدایش و سیر تحول خط*، ص ۱۷۶.

بابیگری متهمش کردند.[۳۲] به دستور شاه او را به زندان افکندند؛ اما با شفاعت دوست‌محمدخان از زندان خلاص یافت و برای جبران این لطف، دعای «نادعلی» را به قلم نستعلیق جلی به آب زر نوشت و به دوست‌محمدخان هدیه کرد. نامه‌ای که میرزا در طلب بخشش و بهره‌مندی دوباره از عنایات دربار خطاب به ناصرالدین‌شاه نوشته گواهی است بر اوضاع نابسامان معیشتی او و پس از این واقعه (ت ۶).[۳۳] میرزا افزون بر نستعلیق، شکسته‌نستعلیق را نیز بسیار نیکو می‌نوشت. از او آثاری به شیوه و رقم درویش عبدالمجید طالقانی (ف ۱۱۸۵ق) در دست است. با این حال، شهرت او در سیاه‌مشق‌نویسی نستعلیق است. اگرچه بسیاری از خوشنویسان آن عهد در سیاه‌مشق طبع‌آزمایی کردند، بهترین این آثار سیاه‌مشقهایی است که میرزا در سالهای ۱۲۸۵ق تا ۱۳۰۳ق نوشت. در میان آثار او دو قطعه مشاهده شد که به مولودی‌نامه مشهورند. مولودی‌نامه متنی است برای ثبت تاریخ تولد. گویا نوشتن این قطعات در عهد قاجار رواج یافت.[۳۴] تصویر ۷ قطعه‌ای است سیاه‌مشق به قلم نستعلیق و نمونه‌ای است از این آثار که میرزا آن را به مناسبت تولد دوست‌علی‌خان با چنین مضمونی نوشته است: «هوالحفیظ تاریخ ولادت خداوندزادهٔ معظم دوست‌علی‌خان سعادتمند، فرزند دوست‌محمدخان معیرالممالک مدظله‌العالی سنه ۱۲۹۳ یا علی مدد است».

متن برخی از مولودی‌نامه‌ها را به نظم درآورده‌اند، مانند نمونه‌ای که تاریخ ولادت حسین‌علی‌خان، فرزند دوست‌محمدخان، و عصمت‌الدوله، دختر ناصرالدین‌شاه، را در قطعه شعری گنجانده‌اند و میرزا غلام‌رضا آن را به قلم نستعلیق ممتاز نوشته است. تاریخ تولد فرزند، و احتمالاً تاریخ کتابت این اثر، پنج‌شنبه هجده جمادی‌الاول ۱۲۸۹ق است.[۳۵]

میرزا غلام‌رضا برخی از کتیبه‌های مدرسهٔ سپهسالار را نیز نوشت. از او نامه‌ای به قلم شکسته‌نستعلیق در دست است[۳۶] که در آن گزارش داده که کتیبه‌های جلوخان مسجد را نوشته و قرار است کتیبه‌های صحن را آغاز کند. تاریخ این نامه ذی‌الحجهٔ ۱۳۰۲ق است؛ اما معلوم نیست که نامه خطاب به چه کسی است. بحث در مورد کیفیت نگارش این کتیبه‌ها نیازمند تحقیق است. میرزا غلام‌رضا در روز پنج‌شنبه چهارم ربیع‌الثانی ۱۳۰۴ق در گذشت.

### محمدحسین شیرازی

محمدحسین‌شیرازی بیشتر آثارش را به نام و برای ناصرالدین‌شاه نوشته و شاه نیز به آثار او رغبت فراوان داشته است. به استناد گزارشی که از زندگی‌اش در پایان یک نسخهٔ *مثنوی معنوی* نوشته، به واسطهٔ یکی از درباریان جزوه‌ای از *مثنوی* را به ناصرالدین‌شاه تقدیم کرد و بسیار تشویق شد. شاه به او دستور داد تا این نسخه را به پایان برساند. پس از اتمام این نسخه در سال ۱۲۷۹ق، شاه او را به لقب «کاتب‌السلطان» مفتخر کرد. به گواهی مهدی بیانی، او یکی از ده تن خوشنویس درجهٔ اول

کاتب نستعلیق است و پس از او کاتبی به زبردستی‌اش نیامده است. تاریخ وفاتش معلوم نیست؛ اما پس از قتل ناصرالدین‌شاه، تا سال ۱۳۱۶ق در دربار مظفرالدین‌شاه به فعالیت ادامه داد.[۳۷] آثاری که پیش از سال ۱۲۷۹ق نوشته رقم «محمدحسین شیرازی» دارد؛ اما آثاری که پس از این تاریخ در دربار کتابت کرده لقب «کاتب‌السلطانی» را نیز به همراه دارد.

از جملهٔ آثار او یک نسخه *دیوان* ناصرالدین‌شاه به قلم کتابت نستعلیق جلی است که در سال ۱۲۷۲ق، هفت سال پیش از آنکه به دربار راه یابد، نوشته و به شاه هدیه کرده است. پاره‌ای از متن پایانی این نسخه چنین است:

> به خاطر فاتر این قاصر ... چنین رسید که ... شاید از انفاس همایون چون در محضرش تحفه بری خود را از محنت و رنج بری بداری و از حسن تربیتش محظّ مرحمت شایان و مهبط عواطف نمایانت فرماید.[۳۸]

از این نوشته چنین برمی‌آید که او این نسخه را برای معرفی خود به شاه کتابت کرده؛ اما مشخص نیست که چرا در همان زمان از عنایت شاه برخوردار نشده است.

از دیگر آثار محمدحسین شیرازی یک قطعه مولودی‌نامه است که آن را به مناسبت تولد پسر سفیر عثمانی به سال ۱۲۹۷ق در دربار ناصرالدین‌شاه نوشته است. از آنجا که روز تولد او با تولد علی (ع) مصادف بود، کودک را علی نام نهادند و شاه او را به «کامیار» ملقب کرد. شوکت، شاعر دربار، تاریخ تولد را به صورت ماده‌تاریخی در قطعه شعری گنجاند و محمدحسین شیرازی آن را به قلم کتابت نستعلیق عالی نوشت. تذهیب این اثر از عبدالوهاب مذهّب‌باشی است.[۳۹]

### چند قطعه شعر کتابت‌شده در مدح شاه

خوشنویسان برای عرض ارادت شعرهایی در مدح شاه می‌نوشتند و به او تقدیم می‌کردند. برخی از این اشعار را نیز خود می‌سرودند. بحث در چگونگی این اشعار در حوصلهٔ این نوشتار نیست؛ اما چون برخی از آثار با اهمیت این دوره چنین متنهایی دارد، از چند نمونه یاد می‌شود.

اسدالله شیرازی در زمان بیماری محمدشاه به اصفهان رفت و پس از بر تخت نشستن ناصرالدین‌شاه، همچنان در اصفهان ماند؛ اما برای یادآوری خود به شاه، گه‌گاه قطعه شعرهایی در مدح او می‌نوشت و به دربار می‌فرستاد. در پایان یکی از مرقعاتش، این قطعه را نوشته است:

> شکر لله به دولت و اقبال
> حضرت شاه دین‌پناه رسید
> خلق را از ورود موکب او
> سر رفعت به مهر و ماه رسید[۴۰]

این شعر یادآور ورود ناصرالدین‌شاه به تهران است در سال ۱۲۶۴ق برای تاج‌گذاری.

در جایی دیگر چنین نوشته است:

> خواستم کز طریقهٔ دلخواه
> آورم تحفه‌ای به حضرت شاه

ت ۸. میرزا غلام‌رضا اصفهانی، قطعه‌ای بدون تاریخ

ت ۹. میرزا غلام‌رضا اصفهانی، قطعهٔ سیاه‌مشق، مأخذ: *مرقع رنگین*، ص۳۵.

در ضمیر آنچه نقش می‌بستم
بهتر از خط نیامد از دستم

متن سه نمونه از آثار میرزا غلام‌رضا اصفهانی هم بدین شرح است :

در قطعه‌ای بدون رقم و تاریخ، این سه بیت شعر را نوشته است (ت ۸):

شکر لله به دولت و اقبال
موکب شاه دین‌پناه رسید
شاه جم‌جاه ناصرالدین‌شاه
سایهٔ حضرت اله رسید
ملک را پایگاه عز و شرف
برتر از فرق مهر و ماه رسید

متن این اثر ابیات دیگری است از قطعه شعری که اسدالله شیرازی نوشته. برخی این شعر را سرودهٔ همو می‌دانند.

یکی دیگر از آثارش، که در اواخر عمر نوشته، این بیت است (ت ۹):

هوالمعز
شاها من ار به چرخ بر آرم سر
خاک ره تو هست به سر افسر
یا علی مدد است سنه ۱۳۰۳ق

این قطعه یکی از بهترین آثار سیاه‌مشق میرزا غلام‌رضا به شمار می‌رود.

اثر دیگری که بیتی است از حافظ، با توجه به رقم آن می‌توان حدس زد که میرزا آن را برای ناصرالدین‌شاه نوشته:

می‌شکفتم ز طرب زانکه چو گل بر لب جوی
بر سرم سایهٔ آن سرو سهی بالا بود
در نزد قبلهٔ محترم
یاعلی مدد است سنه ۱۲۸۸ الفقیر غلام‌رضا غفر له[۴۱]

نمونه‌های یادشده تنها متن چند اثر از دو خوشنویس بود. شمار دیگری قطعه و مرقع در مدح ناصرالدین‌شاه در کتابخانهٔ کاخ گلستان هست که شایان بررسی و تدقیق است؛ مثلاً یک مرقع خط از کاتبی به نام فیروز قاجار، که دربردارندهٔ اشعاری است به فارسی و ترکی در مدح و وصف ناصرالدین‌شاه، که به اصل یا تصویر آنها دست نیافتیم.[۴۲]

**نتیجه**

می‌توان دو عامل کلی برای شکوفایی خوشنویسی در عهد ناصری شناسایی کرد: نخست آن که فتح‌علی‌شاه و محمدشاه پیش از ناصرالدین‌شاه زمینهٔ فعالیت را برای خوشنویسان فراهم کرده بودند. چنان‌که دیدیم، چند تن از خوشنویسان شهیر عهد ناصری، مانند اسدالله شیرازی و محمدحسین تهرانی و میرزا غلام‌رضا اصفهانی، از تربیت‌یافتگان دورهٔ پیش بودند. این زمینه چنان بود که حتی اگر ناصرالدین‌شاه یکسره به خوشنویسی بی‌علاقه بود، باز هم این فعالیتها، اگرچه شکوفاتر نمی‌شد، ادامه می‌یافت. عامل دوم طبع و خوی هنرپرور ناصرالدین‌شاه بود. علاقهٔ او به خوشنویسی اگرچه از او خوشنویس درجهٔ اوّلی نساخت، زمینه‌ساز ظهور خوشنویسان درجه

اول شد. طبع‌آزماییهای او در هنر سبب شد درباریان به تقلید از شاه به خوشنویسی بپردازند، و این خود به بازار خوشنویسان رونق داد. دیگر آنکه خط‌شناسی‌اش که از راه مشقهای تفننی به دست آمده بود، سبب شد هنرمندان دربار آثارشان را به بهترین شکل ممکن عرضه کنند تا در نظر نقاد شاه شایان توجه و تشویق افتد.

البته در کنار عواملی که یاد شد، از ظهور نوابغ نیز نباید غافل بود که درخشش آنان چندان به مساعدت اوضاع وابسته نیست. مثلاً کلهر اگرچه در عهد ناصری و در اوضاع رونق بازار خوشنویسی فعالیت می‌کرد، پیشرفت هنری‌اش چندان به این اوضاع و احوال مساعد متکی نبود. او با قناعت‌پیشگی و بی‌علاقگی به شهرت و ثروت، در کنار میل افزون به مشق، در هر وضعی می‌توانست با کتابت و آموزش خط روزگار بگذراند و بدرخشد.□

## کتاب‌نامه


آتابای، بدری. *فهرست مرقعات کتابخانهٔ سلطنتی*، تهران، ۱۳۵۳.

ـــــــ. *فهرست دیوانهای خطی کتابخانهٔ سلطنتی*، تهران، ۱۳۵۵.

آغداشلو، آیدین. *از خوشی‌ها و حسرتها*، تهران، آتیه، ۱۳۷۸.

بیانی، مهدی. *احوال و آثار خوشنویسان*، ۴ ج، تهران، علمی، ۱۳۶۳.

*پیدایش و سیر تحول خط*، تهران، یساولی،۱۳۵۷.

خلیلی، ناصر و دیگران. *هنر قلم*، ترجمهٔ پیام بهتاش، تهران، کارنگ، ۱۳۷۹.

دوست‌علی‌خان معیرالممالک، *یادداشتهایی از زندگی خصوصی ناصرالدین‌شاه*، تهران، تاریخ ایران، ۱۳۶۲.

ذکاء، یحیی. *زندگی و آثار صنیع‌الملک*، ویراستهٔ سیروس پرهام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲.

راهجیری، علی. *تاریخ مختصر خط و سیر خوشنویسی در ایران*، تهران، عماد، ۱۳۴۵.

ـــــــ. «غلام‌رضا اصفهانی»، در: *هنر و مردم*، سال ۱۴، ش ۶۷ (۱۳۵۵).

سر پرسی سایکس. *تاریخ ایران*، ترجمهٔ سیدمحمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، پیک ایران، ۱۳۸۰.

سمسار، محمدحسن. *کاخ گلستان (گزینه‌ای از شاهکارهای خوشنویسی و نگارگری)*، تهران، زرین و سیمین و کاخ گلستان، ۱۳۷۹.

سهیلی خوانساری، احمد. *مرقع نگارستان*، تهران، پاژنگ، ۱۳۶۱.

سودآور، ابوالعلاء. *هنر دربارهای ایران*، تهران، کارنگ، ۱۳۸۰.

فضائلی، حبیب‌الله. *اطلس خط*، اصفهان، مشعل، ۱۳۶۲.

مرقع رنگین، *(منتخبی از آثار نفیس خوشنویسان بزرگ ایران)*، تهران، انجمن خوشنویسان ایران، ۱۳۶۴.

مستوفی، عبدالله. *شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه)*، تهران، زوار، ۱۳۷۱.

Khalili, Nasser et al. *Collection of Nasser Khalili*, London, 1997, 27 vols., vol. 23.


## پی‌نوشتها:

۱. برای آگاهی بیشتر، نک: «شرحی بر احوال وآثار میرزا محمدرضای کلهر خوشنویس »، در: آیدین آغداشلو، *از خوشی‌ها و حسرتها*، ص ۲۶.

۲. برای مشاهدهٔ برخی از این آثار، نک: علی راهجیری، *تاریخ مختصر خط و سیر خوشنویسی در ایران*، بخش تصاویر؛ دوست‌علی‌خان معیرالممالک، *یادداشتهایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه*، ص ۱۳۹ و ۱۴۱؛

Nasser Khalili et al, *Collection of Nasser Khalili*, vol. 23, pp. 111, 112.

۳. سر پرسی سایکس، *تاریخ ایران*، ج ۲، ص ۵۳۷.

۴. آیدین آغداشلو، همان، ص ۱۴.

۵. ناصرخلیلی، *هنر قلم*، ص ۱۷.

۶. دوست‌علی‌خان معیرالممالک، همان، ص ۳۲.

۷. علی راهجیری، همان، بخش تصاویر.

۸. بدری آتابای، *فهرست مرقعات خطی کتابخانهٔ سلطنتی*، ص ۵۲.

۹. برای مشاهدهٔ این آثار نک: دوست‌علی‌خان معیرالممالک، همان، ص ۱۳۹ و ۱۴۱.

۱۰. این قطعه مجلس شاهانه است از میران‌شاه پسر تیمور صاحب‌قران.

۱۱. بدری آتابای، *فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ سلطنتی*، ص ۱۰ و ۱۱.

۱۲. در مأخذ تاریخ این واقعه ذکر نشده است.

۱۳. همان، ص ۳۹.

۱۴. این مکان را امیرکبیر در دورهٔ کوتاه صدارتش برای هنرمندان ساخت، که عبارت بود از حجره‌های گوناگون که در هر حجره گروهی از هنرمندان و صنعتگران با دستیارانشان به اجرای سفارشهای درباریان و مردم می‌پرداختند و می‌توان گفت بهترین استادکاران آن زمان در این مکان گرد آمده بودند. یکی از این حجره‌ها سرای بزرگ نقاشان بود که صنیع الملک و سی و چهار همکارش در آنجا کار می‌کردند.ـــ یحیی ذکاء، *زندگی و آثار استاد صنیع الملک*، ص ۳۰.

۱۵. محمدحسن سمسار، *کاخ گلستان*، ص ۲۲۲.

۱۶. یحیی ذکاء، همان، ص ۳۱.

۱۷. مهدی بیانی، *احوال و آثار خوشنویسان*، ص ۴۰۵.

۱۸. بدری آتابای، همان، ص ۳۲۱.

۱۹. مهدی بیانی، همان، ص ۸۸۳.

۲۰. همان، ص ۶۳.

۲۱. بدری آتابای، همان، ص ۴۰۸ و ۴۰۹.

۲۲. حبیب‌الله فضائلی، *اطلس خط*، ص ۳۶۳.

۲۳. مهدی بیانی، همان، ص ۱۲۱۵.

۲۴. بدری آتابای، همان، ص ۵۴۳ و ۵۴۴.

۲۵. همان، ص ۴۷.

۲۶. همان، ص ۴۰.

۲۷. این عناوین به ترتیب لقب محمدحسین شیرازی و زین‌العابدین اصفهانی و میرحسین تبریزی (معلم خط مظفرالدین‌شاه) است. لقب کاتب‌السلطان از دیگر القاب رایج‌تر بود؛ چنان‌که در همان عهد، چند نفر به این لقب مفتخر بودند، مانند محمدحسین تهرانی و حسین مخصوص.

۲۸. آیدین آغداشلو، همان، ص ۱۴.

۲۹. عبدالله مستوفی، *شرح زندگانی من*، ص ۲۳۷–۲۴۴.

۳۰. احمد سهیلی خوانساری، *مرقع نگارستان*، ص ۳ و ۴.

۳۱. برای مشاهدهٔ تصویر این نامه، نک: همان، ص ۳۰.

۳۲. در جایی دیگر، علی راهجیری زندانی شدن میرزا را به خاطر جعل حوالهٔ پانصد تومانی دانسته که گویا صحیح نباشد؛ نک: علی راهجیری، «غلامرضا اصفهانی».

۳۳. سهیلی خوانساری، همان، ص ۴ و ۵.

۳۴. گفتگوی نگارنده با استاد آیدین آغداشلو در ۹ تیر ۱۳۸۶.

۳۵. برای مشاهدهٔ تصویر این اثر، نک: همان، ص ۵۲.

۳۶. برای مشاهدهٔ تصویر این نامه، نک: همان، ص ۴۳.

۳۷. مهدی بیانی، همان، ص ۶۸۷–۶۹۰.

۳۸. همان، ص ۶۹۳.

۳۹. برای مشاهدهٔ تصویر این اثر، نک: ابوالعلاء سودآور، *هنر دربارهای ایران*، ص ۳۹۷.

۴۰. مهدی بیانی، همان، ص ۶۰.

۴۱. برای مشاهدهٔ تصویر این آثار، نک: سهیلی خوانساری، همان، ص ۳۳ و ۴۹.

۴۲. بدری آتابای، *فهرست مرقعات خطی کتابخانهٔ سلطنتی*، ص ۸ و ۹ شرح تصاویر.